

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال چهارم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۱
صفحات: ۸۳-۱۰۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۹/۸

بررسی رابطه میان نوسازی، برنامه‌های توسعه اقتصادی و میزان شکاف اقتصادی در ایران

دکتر عباس مصلی نژاد* / ملیحه سلیمی**

چکیده

رابطه بین نوسازی، برنامه‌های توسعه اقتصادی و همچنین میزان شکاف اقتصادی در ایران موضوعی است که در این جستار مورد کنکاش و ارزیابی قرار گرفته است. برای تبیین این موضوع، ابتدا برنامه‌های توسعه کشور پس از انقلاب، به طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه شکاف‌های ساختاری در جوامع در حال توسعه و متعاقب آن آثار و پیامدهای توسعه اقتصادی ایران نیز ارزیابی شده است. برای نیل به این منظور از نظریات لونی بهره گرفته و تلاش شده است؛ شاخص‌های مربوط به فضای عدم تعادل تبیین گردد. از جمله شاخص‌های عدم تعادل، موضوع شکاف درآمدی می‌باشد که در این مقاله، بر اساس ضریب جینی ارزیابی شده است. همچنین تلاش شده است تا روند ناشی از رشد اقتصادی و توسعه در ایران بر اساس مؤلفه‌هایی همانند انتظارات ارزشی در ایران، اثر بخشی دولتی و نیز رتبه اقتصادی ایران ارزیابی شود. تبدیل ایران به قدرت محوری منطقه آسیای جنوب غربی و اجرایی‌سازی سند چشم انداز توسعه ۱۴۰۴، صرفاً در شرایطی ایجاد می‌شود که تحول اساسی در جایگاه اقتصادی و میزان اثر بخشی اقتصادی ایران ایجاد شود.

کلید واژه‌ها

برنامه‌های توسعه اقتصادی، شکاف اقتصادی، اقتصاد سنجی، شاخص‌های عدم تعادل و ضریب جینی.

* عضو هیأت علمی و دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران mossalanejad@mossalanejad.com
** کارشناس ارشد و فارغ التحصیل MBA دانشکده فنی دانشگاه تهران msalimi1383@gmail.com

مقدمه

شکاف دارای ابعاد مختلفی است که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به شکاف‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم‌بندی کرد. شکاف اجتماعی ماحصل نگرش‌های تبعیض آمیز به افراد است که معمولاً در تمامی جوامع به نحوی وجود داشته و یا دارد. به عنوان مثال اعمال تبعیض میان زنان و مردان و یا سیاهان و سفیدان که بیشتر ریشه تاریخی، فرهنگی و یا قومی دارد، از جمله این موارد هستند. ویژگی عمده این نوع تبعیضات، پایداری و استمرار آنها طی سالیان طولانی بوده است. شکاف سیاسی عمدتاً ناشی از هم وزن نبودن افراد در تصمیم‌گیری‌های سیاسی یک کشور است به نحوی که عده خاصی عمدتاً تصمیم‌گیرندگان اصلی بوده و البته قدرت حاکم را نیز در دست دارند. اما شکاف‌های اقتصادی ماحصل تفاوت‌های موجود در میزان دسترسی به فرصت‌های کسب و کار است. که بخشی از آن ذاتی بوده و بخش دیگر ناشی از مناسبات محیطی است. کشورهایی همانند ایران دارای هر دو نوع شکاف یاد شده هستند، به همین دلیل است که نقش دولت در فرایندهای اقتصادی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظریات نوسازی به گونه‌ای تبیین گردیده‌اند که بتوانند بین تغییر اجتماعی با رشد اقتصاد هماهنگی به وجود آورند. کشورهایی که در فضای شکاف اقتصادی قرار می‌گیرند و در زمان نوسازی به تولید طبقات اقتصادی متضاد مبادرت می‌نمایند را می‌توان به عنوان واحدهایی دانست که با مخاطرات امنیتی روبرو می‌شوند. جامعه ایرانی در زمره چنین کشورهایی محسوب می‌شود. در این میان شکاف درآمدی به دلیل سهولت در اندازه‌گیری آن در میان اقتصاددانان جایگاه ویژه‌ای یافته است. بر اساس تئوری‌های اقتصادی، می‌توان دو نوع توزیع درآمد را به طور کلی در نظر گرفت: توزیع مقداری درآمد و توزیع مبتنی بر عوامل تولید. توزیع مقداری یا شخصی درآمد، متداول‌ترین مقیاسی است که به وسیله اقتصاددانان بکار برده می‌شود. این مقیاس صرفاً با اشخاص یا خانواده و کل درآمدی که آنها دریافت می‌کنند سروکار دارد و در آن طریق کسب درآمد، در نظر گرفته نمی‌شود. آنچه که مهم است این است که هر فرد چه مقدار درآمد کسب کرده است. بدون توجه به این که درآمد تماماً از اشتغال ناشی شده است و یا از منابع دیگری مانند بهره، سود، اجاره و غیره به وجود آمده است. آنچه که لونی در مطالعات اقتصادی کشورها مورد مطالعه قرار داده است را می‌توان در زمره شاخص‌های ساختاری ایران نیز تلقی نمود. کشورهایی که دارای درآمدهای اقتصادی

_____ بررسی رابطه میان نوسازی، برنامه‌های توسعه اقتصادی و ...

فرا تولیدی می‌باشند و به عبارت دیگر درآمد ملی آنان هیچ گونه ارتباطی با تولید اقتصادی ندارد، با چنین شرایط و وضعیتی روبرو می‌شوند (Looney, 1981:8-11). با این ترتیب درآمد اقتصادی دولت‌ها و یا طبقات اجتماعی بدون توجه به ساختار و شکل بندی عمومی آنان نمی‌تواند از مطلوبیت لازم برای نوسازی برخوردار باشد. دولت‌های نوساز باید بتوانند فضای ضروری برای تولید اقتصادی را ایجاد نمایند. بدون وجود چنین فضایی، درآمدهای ایجاد شده منجر به فضای عدم تعادل خواهد شد. هر گونه درآمد اقتصادی از طریق فروش منابع طبیعی، زمین‌های عدم تعادل و ناپایداری را به وجود می‌آورد. بررسی اقتصاد سیاسی ایران طی صدها سال گذشته نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای نفتی در ایران اگر چه منجر به گسترش نمادهای مدرنیته شده است، اما واقعیت‌های ساختاری نشان می‌دهد که در این روند، تضادهای سیاسی و اقتصادی منجر به اعتراضات اجتماعی خواهد شد. این امر، وجود شکاف و ناپایداری را منعکس می‌سازد. برخی از رهیافت‌های اقتصادی ایران تلاش دارند عدم تعادل ساختاری را ناشی از عوامل جهانی به ویژه کارکرد نظام سرمایه داری بدانند. اگر چه این رویکرد می‌تواند بخشی از واقعیت‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی را نشان دهد، اما نباید موضوع کارآمدی دولت را نادیده گرفت. جهانگیر آموزگار که به عنوان کارگزار بانک جهانی به مطالعه اقتصاد ایران مبادرت نموده، تداوم شکاف اقتصادی ایران را ناشی از ناکارآمدی ساختار در دوران مختلف سیاسی دانسته است (Amuzegar, 1992:23-24).

گفتار اول: نگاهی اجمالی به برنامه‌های توسعه در ایران و مقایسه عملکرد آنها

تدوین برنامه‌های عمرانی در کشور از سال ۱۳۲۷ آغاز شد و با اجرای ۲ برنامه هفت ساله و ۳ برنامه پنج ساله ادامه یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با پایان یافتن جنگ تحمیلی، ضرورت ایجاد تحول در اقتصاد کشور، بازسازی اقتصاد آسیب دیده از جنگ و ایجاد زمینه‌های لازم برای بهبود وضع زندگی مردم، باعث شد برنامه توسعه کشور در قالب برنامه‌های ۵ ساله از سال ۱۳۶۸ شروع شود که در این راستا تاکنون ۵ برنامه توسعه تصویب شده و به مرحله اجرا در آمده است. در ادامه بحث، برنامه‌های توسعه به ترتیب مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت عملکرد آنها با یکدیگر مقایسه شده است (مصلی نژاد، ۱۳۸۲ الف).

الف) برنامه پنج ساله اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

این برنامه با انتخاب راهبرد آزاد سازی اقتصادی در سال ۱۳۶۸ آغاز شد و هدف اصلی آن این بود که با سرمایه گذاری دولت در بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ و بهره برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود، آثار منفی اقتصادی حاکم بر کشور را تغییر داده و زمینه‌های رشد اقتصادی را مهیا سازد. از این رو برنامه اول به برنامه سازندگی شهرت یافت.

ب) برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه و تثبیت دستاوردهای برنامه اول، ایجاد ثبات در فعالیت‌های اقتصادی کشور و کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه بود. این برنامه از جهت ساختار و ماهیت، تفاوتی با برنامه اول نداشت و مبتنی بر آزاد سازی اقتصادی و نیز خصوصی سازی بود. همچنین رشد و توسعه پایدار اقتصادی از اصلی‌ترین اهداف برنامه دوم قلمداد می‌شود. از این رو برنامه دوم به برنامه ثبات اقتصادی شهرت یافت.

ج) برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

مشکلات ساختاری برنامه‌های اول و دوم توسعه، نگاه اجتماعی به مسایل اقتصادی و ارایه طرح ساماندهی اقتصاد در سال ۱۳۷۷ از یک سو و سیاست تنش زدایی در روابط بین‌الملل و بهبود روابط در اوپک از سوی دیگر منجر به شکل‌گیری اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد داخلی در برنامه سوم توسعه شد. از این رو برنامه سوم به برنامه اصلاح ساختاری شهرت یافت. مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم را می‌توان تلاش آن در فراهم ساختن الزامات تحقق یک توسعه پایدار دانست. این برنامه با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه اقتصاد رقابتی از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل‌گیری نظام جامع تأمین اجتماعی، اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای فراهم شده زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت طراحی و تدوین شد.

د) برنامه پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

مهم‌ترین ویژگی این برنامه توسعه و تصویب آن در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله است که هدف از این نوع برنامه ریزی، نگاه فعال و آینده ساز به مسایل کشور است. در قالب

_____ بررسی رابطه میان نوسازی، برنامه‌های توسعه اقتصادی و ...

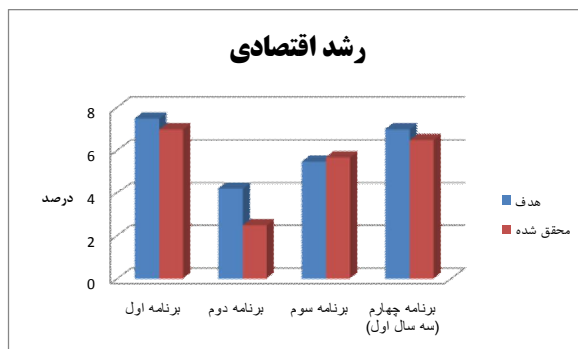
چشم‌انداز، برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی در راستای آینده‌سازی جهت‌گیری می‌شوند. در این چارچوب تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به صورت یک کلیت مطرح می‌شوند. تحولات صورت گرفته در نظام جهانی، به خصوص در عرصه اقتصاد و طرح مسایلی مانند: همگرایی سیاست‌ها، جهانی شدن تولید، نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی، بهره‌مندی از علوم و فناوری‌های پیشرفته، دگرگونی در قلمروهای فعالیت دولت موجب شد که در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تاکید بر ادامه سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه سوم توسعه، پایه‌های جدیدی برای تغییر در روند توسعه کشور پیش‌بینی شود.

و) برنامه پنج ساله پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰)

این برنامه با تأخیر یک سال و اندی آغاز گردیده و از نقاط قوت برنامه می‌توان به هدف‌مندی یارانه‌ها و نقش سیاست‌گذاری اقتصادی دولت و آثار اجتماعی برآمده از آن نام برد. در این برنامه تلاش شده است تا حداکثر حمایت از صنعت صورت پذیرفته و صادرات بتواند جایگزین بخش عمده‌ای از درآمدهای حاصل از فروش نفت شود.

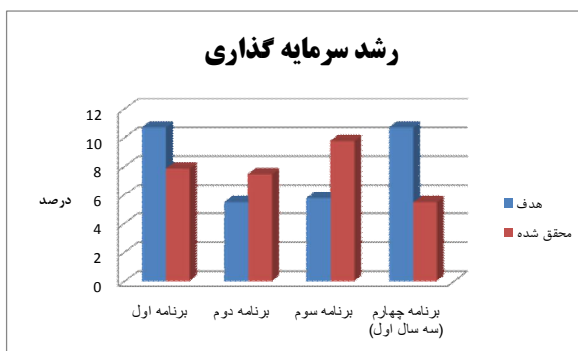
گفتار دوم: مقایسه عملکرد و موفقیت برنامه‌های توسعه پس از انقلاب الف) رشد اقتصادی

مقایسه برنامه‌های توسعه پس از انقلاب نشان می‌دهد که فقط در برنامه سوم توسعه، رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده محقق شده است (مصلی نژاد، ۱۳۸۲ ب). در برنامه سوم توسعه حدود ۱۰۲٪ رشد اقتصادی محقق شده است در حالی که در برنامه اول میزان تحقق ۹۱٪ برنامه دوم ۶۳٪ و در برنامه چهارم ۹۵٪ بوده است.



ب) رشد سرمایه‌گذاری

از نظر تحقق هدف رشد سرمایه‌گذاری، برنامه‌های دوم و سوم به ترتیب با ۱۵۱٪ و ۱۲۹٪ عملکرد قابل توجهی داشته‌اند. اما برنامه اول ۷۹٪ و در سه سال اول برنامه چهارم هم فقط ۵۳٪ رشد سرمایه‌گذاری هدف محقق شده است.



ج) جذب سرمایه‌گذاری خارجی

ایران در سال ۲۰۰۴ در میان ۲۳ کشور منطقه مکان ۱۵ و در سال ۲۰۰۶ به دلیل تصویب قانون حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی در مکان ۱۳ قرار گرفت.

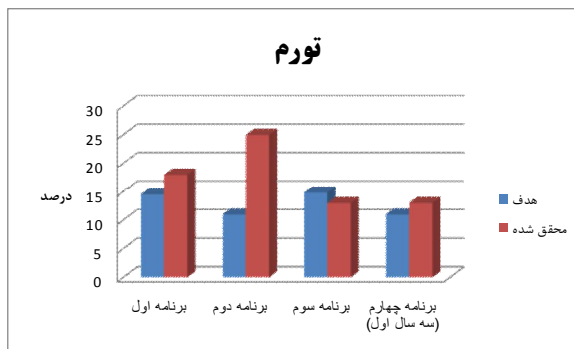
د) رقم سرمایه‌گذاری خارجی

طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ سرمایه‌گذاری خارجی در ایران حدود ۲ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با ترکیه و عربستان فقط در سال ۲۰۰۶ که به ترتیب ۲۰ و ۱۸ میلیارد

دلار بوده است. رقم قابل ملاحظه‌ای نمی‌باشد. شایان ذکر است که تبدیل ایران به قدرت محوری منطقه آسیای جنوب غربی و اجرایی‌سازی سند چشم انداز توسعه ۱۴۰۴ صرفاً در شرایطی ایجاد می‌شود که تحول اساسی در جایگاه اقتصادی ایران و میزان اثربخشی اقتصادی آن ایجاد شود.

ن) تورم

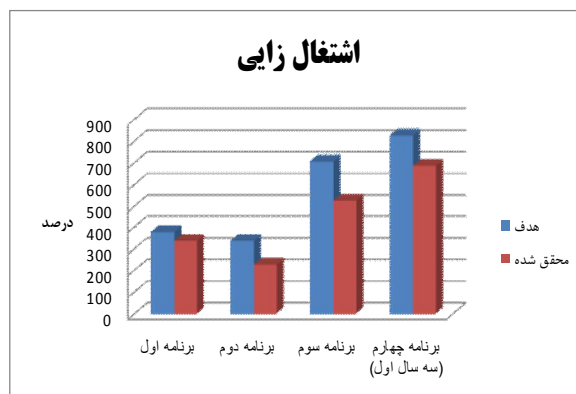
از منظر کاهش نرخ تورم، برنامه سوم با ۱۱۳٪ بهترین عملکرد و برنامه دوم با ۴۸٪ ضعیف‌ترین عملکرد را داشته است. عملکرد برنامه اول ۷۶٪ و برنامه چهارم ۸۷٪ بوده است.



و) اشتغال زایی

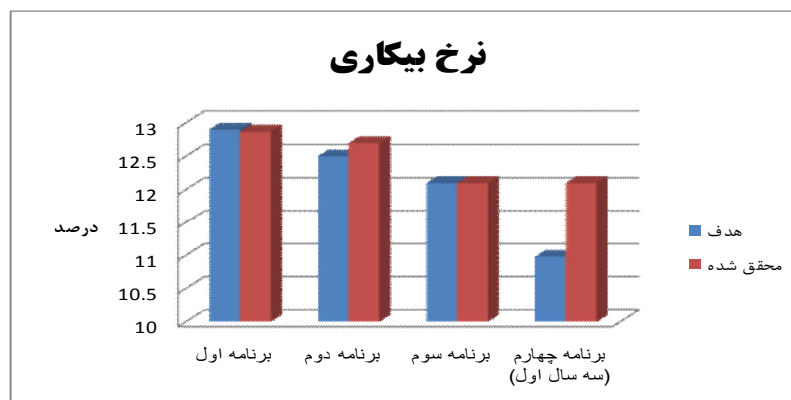
از منظر اشتغال زایی، هیچ کدام از برنامه‌های توسعه به اهداف تعیین شده دست نیافته‌اند. برنامه اول با ۹۷٪ وضعیت مطلوب‌تری از سایر برنامه‌ها داشته است. شایان ذکر است که این رقم بالای تحقق اشتغال زایی در برنامه اول توسعه به این علت بوده است که هدف کوچک در نظر گرفته شده بوده است. به عنوان مثال در برنامه اول فقط ۳۸۴ هزار شغل. میزان تحقق اشتغال زایی در برنامه دوم ۶۵٪، برنامه سوم ۷۷٪ و در برنامه چهارم ۸۵٪ بوده است. لازم به یادآوری است که معمولاً جمعیت کشور را به دو گروه، جمعیت فعال و جمعیت غیر فعال تقسیم می‌کنند: جمعیت فعال را می‌توان به آن قسمت از جمعیت نامید که بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال بوده و آماده کار می‌باشند. جمعیت غیرفعال در برگیرنده افراد زیر ۱۸ سال،

بازنشستگان، از کار افتادگان، افراد کهنسال و... می‌باشد. یکی از اهداف اقتصاد کلان ایجاد اشتغال کامل می‌باشد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۲؛ حسینی، ۱۳۸۲).



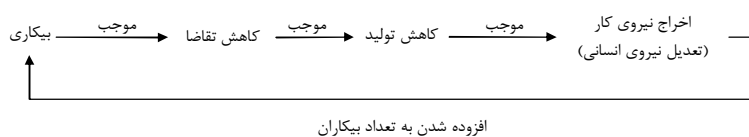
هـ) نرخ بیکاری

از لحاظ هدف برنامه‌های توسعه برای کاهش نرخ بیکاری، برنامه‌های اول و سوم توسعه به هدف تعیین شده دست یافته‌اند. در برنامه اول ۱۱۶٪ و برنامه سوم ۱۰۲٪ هدف کاهش نرخ بیکاری محقق شده است. میزان تحقق این هدف در برنامه دوم ۹۶٪ و برنامه چهارم ۸۷٪ بوده است.



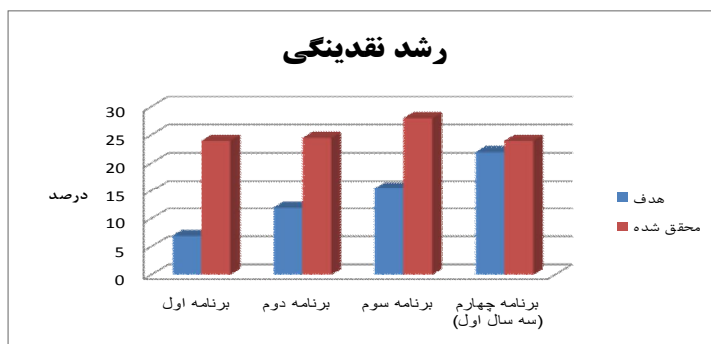
_____ بررسی رابطه میان نوسازی، برنامه‌های توسعه اقتصادی و ...

بیکاری به عنوان یکی از پدیده‌های اقتصادی قرن حاضر در چرخه زیر نمایش داده شده است. چنانچه ملاحظه می‌گردد در صورتی که سیاستی جهت رفع این مشکل اتخاذ نشود، پیوسته بیکاری موجب تشدید بیکاری خواهد شد.



ی) رشد نقدینگی

از منظر هدف برنامه‌های توسعه برای کاستن شتاب رشد نقدینگی و رساندن آن به سطح مطلوب هیچ یک از برنامه موفق عمل نکرده‌اند. در برنامه اول ۳۳٪، برنامه دوم ۴۹٪، برنامه سوم ۵۷٪ و در برنامه چهارم ۶۵٪ هدف برنامه محقق شده است. بدین ترتیب همواره رشد نقدینگی بالاتر از اهداف مورد نظر باقی مانده است.



گفتار سوم: آثار و پیامد توسعه اقتصادی در ایران

نوسازی سیاسی و اقتصادی در جوامع مختلف دارای آثار و پیامدهای غیر همگونی می‌باشد. کشورهایی که بتوانند فرایند رشد اقتصادی را بر اساس تحرک طبقات مختلف سازماندهی کنند

و از سوی دیگر، از ایجاد زمینه شکل گیری فوق طبقات^۱ (Upper classes) جلوگیری نمایند، به نتایج و مطلوبیت‌های مؤثری نایل می‌شوند. در حالی که اگر روند رشد اقتصادی با سرعت زیادی طی شود، در آن شرایط مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ایجاد می‌گردد، زیرا تحرک اجتماعی آرزوها را افزایش داده و توسعه اقتصادی، بی‌گمان گنجایش یک جامعه را برای بر آوردن این آرزوها بیشتر می‌کند و از همین رو، ظاهراً باید سر خوردگی‌های اجتماعی و در نتیجه، ناستواری‌های سیاسی نیز افزایش پیدا کند. شواهد نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های برنامه توسعه در ایران، متوازن سازی سطح درآمدهای عمومی طبقات و لایه‌های مختلف می‌باشد. به عبارت دیگر، عدم توازن در برنامه‌های اقتصادی می‌تواند مخاطرات متنوعی از جمله بی‌ثباتی و التهاب سیاسی را به وجود آورد. هانتینگتون در این رابطه بیان می‌دارد که «رشد شتابان اقتصادی فرصت‌های تازه‌ای را برای تولید و اشتغال فراهم می‌سازد. از همین روی، بایستی بلند پروازی‌ها و استعدادهایی را که در صورت دیگر به راه انداختن کودتا کشیده می‌شوند، به راه پول در آوردن بیندازند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۶۵). پیوستگی توسعه اقتصادی با ناستواری سیاسی در تحویل «توکویل» از انقلاب فرانسه به گونه‌ای کلاسیک توصیف شده است. پیش از آن نیز چنین روندی در انقلاب انگلیس، امریکا و بعد از آن در انقلاب روسیه ملاحظه می‌شود. نرخ دگرگونی در تولید ناخالص ملی نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی به جای تشدید استواری سیاسی، در واقع ایجادکننده ناستواری سیاسی است.» بی‌ثباتی سیاسی در شرایطی ایجاد می‌شود که کشورها نتوانند بین بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رابطه ارگانیک برقرار نمایند. این امر به مفهوم آن است که جامعه در شرایط عدم توازن قرار می‌گیرد. هرگاه چنین شرایط و فضایی ایجاد گردد، ساخت‌های حکومتی با ناپایداری روبرو می‌شوند. دلایل مختلفی برای ظهور بی‌ثباتی وجود دارد. به طور کلی ناپایداری می‌تواند دارای ریشه‌های اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی باشد. اما این امر در دوره‌های نوسازی با رشد بیشتری همراه خواهد بود.

1- Upper classes

الف) اندازه‌گیری شکاف در آمدی در ایران

برای اندازه‌گیری شکاف در آمدی معیارهای مختلفی وجود دارد. آمارتیا کومارسن در یک تقسیم‌بندی کلی آنها را به دو گروه مختلف تقسیم می‌نماید (کومارسن، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۴). از یک سو معیارهایی قرار دارند که می‌کوشند میزان نابرابری را در یک مفهوم عینی اندازه‌گیری نمایند که این معیارها را می‌توان به نوعی اثباتی^۱ دانست، چرا که به اندازه‌گیری شکاف‌ها بدون توجه به تابع رفاه جامعه می‌پردازند. از سوی دیگر معیارهایی وجود دارند که می‌کوشند تا نابرابری را بر حسب یک مفهوم هنجاری از رفاه اجتماعی اندازه‌گیری کنند، به نحوی که درجه شکاف بیشتر، منعکس کننده سطح پایین‌تر رفاه اجتماعی برای سطح معینی از درآمد است. آنچه در مورد اقتصاد ایران مطرح می‌باشد را می‌توان با معادله دوم آمارتیا کومارسن مورد ارزیابی قرار داد. علت آن را می‌توان در نسبی بودن رفاه اجتماعی و اقتصادی دانست. به همان گونه که ثروت با نوسازی رابطه نسبی دارد. رابطه بین شکاف اقتصادی و رفاه نیز در قالب نشانه‌های مشابهی تحلیل می‌شود. «سن» برای معیارهای اثباتی نمونه‌های مختلفی را نام برده و تعریف کرده است. از جمله می‌توان به انحراف نسبی میانگین، واریانس و ضریب جینی و تفاضل میانگین نسبی درآمدها اشاره نمود. ابتدا به دو معیار نابرابری ضریب جینی و «شاخص تایل» از گروه اول در معیارهای نابرابری پرداخته و در ادامه اشاره‌ای به شاخص اتکینسون^۲ که از نوع دوم شاخص‌های شکاف است، می‌شود.

ب) شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری و توزیع درآمد

شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری و توزیع درآمد را می‌توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱- ضریب جینی

ضریب جینی^۲، در سال ۱۹۱۲ از سوی ریاضی دان ایتالیایی، کورادو جینی^۳ معرفی شد و شاخصی برای اندازه‌گیری میزان نابرابری درآمد و یا ثروت می‌باشد. این شاخص برای تعیین میزان نابرابری در توزیع درآمد در بین مردم یک کشور و یا واحدهای بزرگ‌تر جغرافیایی و سیاسی بکار می‌رود. این ضریب دارای ارزشی بین صفر (در شرایطی که همه افراد در آمد

1- Positive

2- Gini Coefficient

3- Corrado Gini

یکسان داشته باشند) و یک (اگر یک فرد همه در آمد کشور و یا واحد بزرگتر را دریافت کند و سایر افراد هیچ درآمدی نداشته باشند) می‌باشد. در بسیاری موارد، از ضریب جینی بدون توضیحی در مورد درصدهای بکار برده شد برای محاسبه آن یاد می‌شود. همانند سایر ضرایب نابرابری، ضریب جینی تحت تأثیر روش محاسبه آن قرار می‌گیرد. به طور مثال، صد درصد جمعیت یک کشور را می‌توانیم به پنج گروه بیست درصدی (بیست یک) و یا به بیست گروه پنج درصدی تقسیم کنیم. ضریب جینی محاسبه شده در مورد اول، به طور معمول از ضریب جینی مورد دوم کمتر خواهد بود. باید در استفاده از ضریب جینی به عنوان شاخصی برای برابری خواهی و برقراری عدالت دقت شود، زیرا این ضریب نشان دهنده پراکندگی در توزیع درآمد است و ابعاد مختلف نابرابری را معین نمی‌کند.

۲- رفاه اجتماعی

این شاخص، شاخصی ترکیبی است که رشد اقتصادی همراه با توزیع متناسب در آمد را در جامعه بر اساس دو شاخص ضریب جینی و در آمد سرانه مورد سنجش قرار می‌دهد. هر چه میزان شاخص رفاه اجتماعی بیشتر باشد، نشان از بهبود وضعیت توزیع درآمد متناسب با رشد اقتصادی دارد.

۳- توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی^۱ شاخصی است استاندارد برای سنجش رفاه، کودکان و مواردی چون امید به زندگی، باسوادی، آموزش و استانداردهای زندگی در کشورهای مختلف را در خود جای داده است. از این شاخص عمدتاً به منظور تعیین و تشخیص اینکه یک کشور در کدامیک از دسته‌بندی‌های کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته قرار می‌گیرد و نیز برای اندازه گیری آثار سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت زندگی در کشورهای مختلف استفاده می‌شود. این شاخص متوسط دسترسی به سه بعد اساسی توسعه انسانی شامل زندگی سالم و طولانی مدت، دانش و استانداردهای زندگی بایسته را اندازه‌گیری می‌کند.

۴- فقر انسانی

شاخص فقر انسانی^۲ بر اساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل، شاخص مرکبی است که میزان محرومیت انسان را از سه بعد زندگی توأم با سلامتی، کسب دانش و استاندارد شایسته

1- HDI

2- HPI (Human Poverty Indicator)

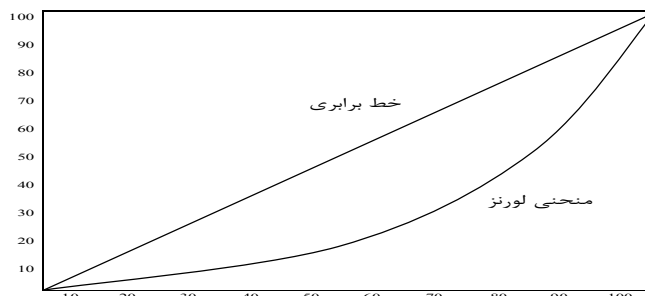
زندگی اندازه گیری می‌کند. در این بحث شکاف درآمدی جامعه بر اساس شاخص ضریب جینی مورد بررسی قرار گرفته و تداوم آن ارزیابی می‌گردد.

ج) بررسی شکاف در آمدی جامعه ایران بر اساس ضریب جینی

بسیاری از آمارهایی که در رابطه با اقتصاد ایران ارائه شده، بیانگر آنست که به موازات رشد اقتصادی و گسترش نوسازی، شکاف‌های اقتصادی - اجتماعی نیز افزایش یافته است. شاید به همین دلیل است که یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های توسعه در ایران را می‌توان کاهش چنین وضعیت مخاطره آمیزی دانست. معمولاً می‌توان افراد را بر حسب درآمدشان به گروه‌هایی تقسیم بندی نمود و سپس بررسی کرد که چه نسبتی از کل در آمد ملی به هر طبقه خاص تعلق می‌گیرد. چنین برخوردی با مسأله توزیع درآمد به بالاترین سطح درآمد صورت گیرد. چنین برخوردی با مسأله توزیع در آمد در منحنی «لورنز» مستقر است. در بسیاری از مطالعات اقتصادی ایران، بحران‌های اقتصادی - ساختاری ایران بر مبنای ضریب جینی یا بر اساس منحنی لورنز تبیین می‌شوند.

«یغمائی‌ان» بررسی‌های خود را بر مبنای شکاف‌های ساختاری در اقتصاد ایران تبیین نموده است. وی بر این اعتقاد است که برنامه‌های اقتصادی ایران نشان می‌دهد که دولت‌های ایرانی قادر به حل مشکلات ناشی از عدم توازن اقتصادی نمی‌باشند. زیرا این‌گونه بی‌ثباتی‌ها در حوزه اقتصادی ایران ریشه در عواملی دارد که منجر به عدم توازن ساختاری می‌شود. بحران‌های سیاست خارجی ایران را باید عوامل شتاب دهنده به چنین شکاف‌هایی دانست. به هر میزان رابطه ایران در تقسیم بین‌المللی کار، ماهیت حاشیه‌ای پیدا کند، چنین شکافی بیشتر می‌شود (Yaghmaian, 1998:17).

هرگاه شکاف اقتصادی افزایش یابد، منحنی لورنز به سمت محور X ها گرایش پیدا می‌کند. به طور کلی منحنی لورنز یکی از معروف‌ترین نمودارهای موجود در اندازه گیری نابرابری درآمدی است. این نمودار به صورت تجمعی بوده و محور افقی آن بیانگر درصد تجمعی دریافت کنندگان درآمد و محور عمودی بیانگر این موضوع است که X درصد از کل جامعه، Y درصد از کل درآمد جامعه را به خود اختصاص می‌دهند.

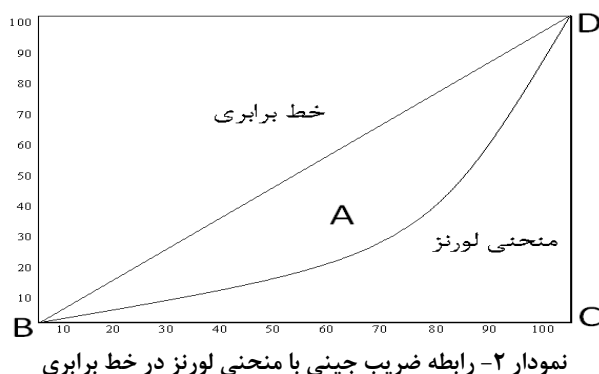


نمودار ۱- منحنی لورنز در اندازه گیری نابرابری درآمدی

شمار دریافت‌کنندگان درآمد، نه بر حسب قدر مطلق درآمد بلکه بر حسب درصدهای تجمعی درآمد، بر روی محور افقی ترسیم می‌شود. برای مثال، نقطه ۲۰٪ پایین‌ترین بخش (فقیرترین) از گروه‌های درآمدی و نقطه ۶۰٪ بالاترین گروه‌های درآمدی و نقطه انتهایی محور افقی نقطه ۱۰۰ درصد جمعیت است. در نمودار ۱، می‌توان شرایطی را ملاحظه نمود که بر اساس آن به هر میزان منحنی لورنز از خط تعادلی که می‌توان آن را خط برابری نیز دانست فاصله یابد، شکاف اقتصادی در کشور افزایش خواهد یافت. به همین دلیل است که در محور Xها، عدد ۲۰ به مثابه بیشترین شکاف اقتصادی محسوب شده در حالی که بر اساس گرایش منحنی به خط تعادل در نقطه ۱۰۰، بیشترین مطلوبیت ایجاد خواهد شد. زیرا در این نقطه، منحنی لورنز با خط برابری، تطبیق می‌یابد. در این نمودار، محور عمودی درصد کل درآمد را که به وسیله هر گروه دریافت می‌شود، نشان می‌دهد، این محور نیز بر حسب درصدهای تجمعی تا ۱۰۰٪ در نظر گرفته شده است، بنابراین، طول هر دو محور مساوی است و تمام شکل به صورت یک مربع است. یکی از قطرهای مربع از گوشه پایین سمت چپ (مبدأ مختصات) به گوشه بالای سمت راست ترسیم شده است. در هر نقطه بر روی قطر، درصد درآمدهای دریافت شده است. در هر نقطه بر روی قطر، درصد درآمدهای دریافت شده دقیقاً برابر با درصد دریافت‌کنندگان درآمد است. اگر توزیع درآمدها در هر جامعه‌ای به منحنی لورنس نزدیک باشد، طبعاً تعادل سیاسی و اقتصادی بیشتری نیز به وجود می‌آید. عدالت‌گرایی در شرایطی ایجاد می‌شود که فاصله منحنی با خط برابری به گونه مشهودی کاهش یابد. طبعاً در این شرایط، شکنندگی ساختاری به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. برای مثال نقطه‌ای که در وسط قرار دارد، نماینده ۵۰ درصد درآمد است که دقیقاً بین ۵۰ درصد جمعیت توزیع

می‌کند. نقطه‌ای که در سه چهارم قطر از مبدأ مختصات قرار دارد، ۷۵ درصد درآمد را بین ۷۵ درصد (شهروندان مورد نظر) در جمعیت توزیع می‌کند. به بیانی دیگر، قطر مربع در نمودار (۱) نمایانگر برابری کامل در توزیع درآمد مقداری است. هر درصد گروه درآمدی همان درصد کل درآمد را دریافت می‌کند. برای مثال، گروه ۴۰ درصد پایین ۴۰ درصد کل درآمد را دریافت می‌کند و گروه ۵ درصد بالا ۵ درصد کل درآمد را به اختصاص می‌دهد. معادله این روند در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که به میزان افزایش درآمدهای دولت، شکاف ساختاری نیز افزایش یافته و در نتیجه آن نشانه‌هایی از توزیع نابرابر درآمد اقتصادی فراهم می‌شود. به عبارت دیگر شعارهای عدالت‌گرایانه در ایران را می‌توان بازتاب وجود شکاف ساختاری در حوزه اقتصادی ایران دانست. هیچ نشانه‌ای برای ترمیم این روند در ایران ۱۴۰۰ وجود ندارد. به‌طور کلی، هر چه منحنی لورنس از قطر (برابری کامل) دورتر شود، درجه نابرابری بیشتری را نشان می‌دهد. یک مورد افراطی نابرابری کامل (یعنی وضعیتی که یک فرد تمام درآمد ملی را دریافت کند و افراد دیگر اصلاً درآمدی نداشته باشند) وقتی است که منحنی لورنز بر محور افقی پایین و محور عمودی سمت راست منطبق شود. چون توزیع درآمد هیچ کشوری کاملاً نابرابر نیست لذا منحنی لورنز در کشورهای مختلف در سمت راست قطر مربع نمودار قرار می‌گیرد. هر چه درجه نابرابری بیشتر باشد منحنی لورنز خمیده‌تر و به منحنی افقی پایین نزدیک‌تر خواهد شد. این روند در ارتباط با توزیع اقتصادی ایران به چشم می‌خورد، شواهد نشان می‌دهد که بودجه بندی و توزیع درآمدهای ملی در روند نوسازی، واکنش‌هایی را ایجاد می‌کند که همواره باعث می‌شود نشانه‌هایی از عدالت‌گرایی در رویکرد سیاسی ایران تشدید گردد. ضریب جینی مقیاس شکاف کل است و می‌تواند از صفر (برابری کامل) تا ۱ (نابرابری کامل) تغییر کند. در واقع ضریب جینی برای کشورهایی که توزیع درآمد بسیار نابرابر دارند عموماً بین ۵ درصد تا ۷ درصد است در حالی که در کشورهایی که توزیع درآمد نسبتاً عادلانه است. این ضریب بین ۲ درصد تا ۳۵ درصد می‌باشد. رابطه ضریب جینی با منحنی لورنز در نمودار (۲) آورده شده است. این نمودار نشان می‌دهد که در خط BD وضعیت تعادل وجود دارد. در حالی که نمادهای دیگری نیز وجود دارد که با واقعیت‌های اقتصاد ایران هماهنگی داشته و از این رو مشکلات اقتصادی جدیدتری را به وجود می‌آورد. به طور مثال در نمودار (۲) ضریب جینی، با توجه به خط برابری کامل و منحنی لورنز در نمودار (۱)، می‌توان استنباط کرد که هر چه منحنی لورنز از قطر مربع

فاصله بیشتری بگیرد، نابرابری بیشتر خواهد شد. بر این اساس با تقسیم مساحت هاشور خورده به نصف مساحت مربع، ضریب جینی حاصل خواهد شد.



د) تداوم شکاف در ضریب جینی ایران پس از انقلاب اسلامی

بررسی آمارهای مربوط به دگرگونی‌های ساختاری در ایران نشان می‌دهد که به هر میزان توسعه اقتصادی با سرعت بیشتری رشد یابد، در آن شرایط زمینه برای تشدید نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی نیز فراهم‌تر خواهد شد. زمانی که متوسط رشد اقتصادی ایران در برنامه توسعه اقتصادی ایران به میزان ۶ درصد پیش بینی شود و درآمدهای آن ناشی از فروش نفت باشد، شکاف طبقاتی اجتناب ناپذیر است. داده‌های آماری موجود مبین این امر است که ضریب کلی عدم برابری در توزیع هزینه‌های مصرفی در ایران در طی یک دهه قبل از انقلاب اساساً بسیار بالا بوده و عدم تعادل در توزیع هزینه‌ها مرتباً افزایش یافته است. هرگاه فقر در لایه‌های روستایی افزایش بیشتری نسبت به لایه‌های شهری داشته باشد، در آن شرایط زمینه‌های تضاد سیاسی را فراهم می‌کند. زیرا در این وضعیت، شکاف اقتصادی شهر- روستا زمینه ساز مهاجرت خواهد شد. هرگاه مهاجرت بیش از ظرفیت شهرها به وجود آید، نه تنها منازعات هویتی افزایش می‌یابد، بلکه فراتر از آن زمینه‌های تبدیل شکاف اقتصادی به تضادهای هویتی و در نهایت ظهور مطالبات سیاسی را فراهم می‌کند. چنین روندی از زمان قبل از انقلاب به دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تسری یافته است. علت آن را می‌توان افزایش تضادهای اجتماعی- اقتصادی و تبدیل این تضادها به مطالبات اجتماعی دانست. این امر را می‌توان به عنوان انعکاس «پارادکس‌های نوسازی» دانست. پارادکس‌های نوسازی ایران با آنچه را که آنتونی

گیدنز درباره نوسازی ناقص بیان داشته است. همگونی و هماهنگی دارد. به عبارت دیگر هر الگوی نوسازی را می‌توان زمینه‌ساز شتاب مطالبات دانست. بنابراین آسیب شناسی سیاسی و اقتصادی ایران در دوران بعد از انقلاب، با آنچه که در دوران گذشته ایجاد شده، هماهنگی دارد. این روند در شرایط زمانی آینده نیز از تداوم برخوردار خواهد بود. جدول یک و نمودار چهار نشان‌دهنده روند زمانی ضریب جینی، به عنوان معیارهایی برای اندازه‌گیری «شکاف در آمدی» طی سال‌های در نظر گرفته شده، سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سال ۱۳۶۸ یعنی یک سال پس از خاتمه جنگ تحمیلی و همچنین سال آغازین برنامه اول توسعه، سال ۱۳۷۳ یک سال پس از خاتمه برنامه اول و سال آغازین برنامه دوم، سال ۱۳۷۸ یک سال پس از برنامه دوم اقتصادی و سال ۱۳۸۰ به عنوان آخرین سالی که آمارهای آن موجود می‌باشد. جدول شماره یک نشان می‌دهد که مقیاس درصد نابرابری ایران در سال‌های بعد از انقلاب به گونه محسوسی کاهش یافته است. اما این امر به معنای کاهش نرخ رشد اقتصادی نیز تلقی خواهد شد. همان گونه که در دوران گذشته شکاف اقتصادی شهر- روستا به عنوان نماد نابرابری تلقی می‌شد، هم اکنون نیز چنین نشانه‌هایی وجود دارد. جدول شماره یک را می‌توان بیانگر این ادعا دانست.

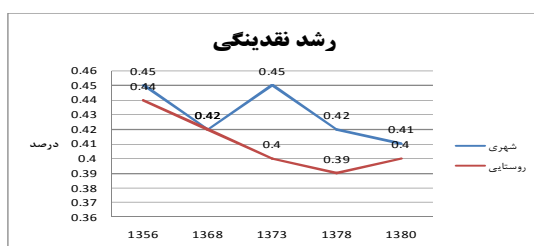
جدول ۱- روند نابرابری در ایران طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۰

سال	۱۳۵۶	۱۳۶۸	۱۳۷۳	۱۳۷۸	۱۳۸۰
شهری	۰/۴۴۹	۰/۴۱۸	۰/۴۱۵	۰/۳۹۲	۰/۳۹۴
روستایی	۰/۴۴	۰/۴۱۸	۰/۴۴۵	۰/۴۲۱	۰/۴۱۶

مأخذ: برای سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۶۸ روستا و رضانی، ۱۳۸۱، صص ۲۵۸-۲۵۹، برای بقیه سال‌ها محاسبات از طریق آمارهای موجود اقتصادی

بررسی روند زمانی ضریب جینی برای مناطق شهری حاکی از کاهش آن طی دو دهه اخیر است، در حالی که مقدار ضریب جینی در سال ۱۳۶۵ نزدیک به ۰/۵ درصد است، مقدار آن در سال ۱۳۸۰ به ۰/۳۹۴ رسیده است. علاوه بر این مقایسه سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ حاکی از عدم کارایی سیاست‌های تعدیل بکار گرفته شده در طی برنامه اول توسعه پس از انقلاب اسلامی برای کاهش نابرابری بوده است. طی برنامه دوم، ضریب جینی در مناطق شهری کاهش یافته است و طی سال‌های آغازین برنامه سوم بدون تغییر باقی مانده است. در نمودار ۳ می‌توان انعکاس فضای مربوط به جدول ۱ را ملاحظه کرد. در این نمودار، صرفاً شاخص‌های کاهش نرخ برابری مشاهده می‌شود، بنابراین باید عوامل دیگری را نیز مورد ملاحظه قرارداد. این عوامل را

می‌توان در جدول ۲ مشاهده نمود. در جدول ۲ تلاش شده است تا رابطه برابری اقتصادی ایران ارزیابی و تبیین شود. زیرا در جدول ۲ این موضوع بررسی شده است که هرگاه سیاست نوسازی در پیش گرفته شده، شکاف اقتصادی نیز افزایش می‌یابد.



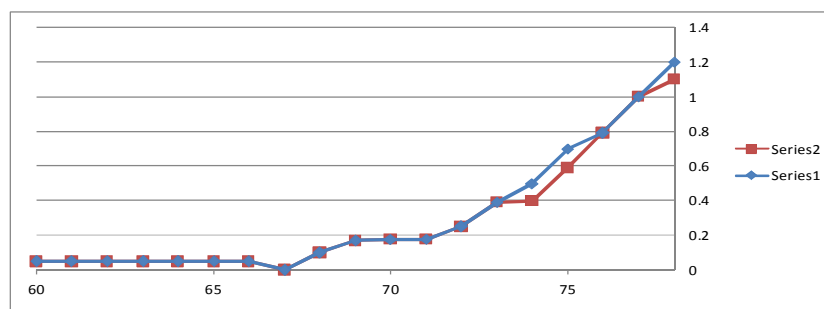
نمودار ۳- نابرابری در ایران

با توجه به نمودار مشخص است که طی دوره ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۰ در حالی که نابرابری در مناطق شهری در حال کاهش بوده است، اما در مناطق روستایی تغییر چشم‌گیری نداشته است. با این حال مقدار ضریب جینی، ایران را در زمره کشورهای با نابرابری بالا قرار می‌دهد. بررسی روند ضریب جینی مناطق روستایی نیز حاکی از کاهش بسیار کم شکاف درآمدی پس از انقلاب است، اگرچه این کاهش در مقایسه با مناطق شهری چشم‌گیر نیست. از سویی در پایان برنامه اول توسعه پس از انقلاب، ضریب جینی دارای افزایش محسوسی بوده و از مقدار ۰/۴۱۸ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۴۴۵ در سال ۱۳۷۳ رسیده است که حاکی از اثرات منفی اعمال سیاست‌های تعدیل طی سال‌های برنامه اول بوده است. این روند بر اساس شاخص‌های جدول ۲ در زمان اجرایی سازی برنامه‌های دوم و سوم نیز تداوم داشته است.

جدول ۲- مقایسه در آمد ملی بین طبقات مختلف در کشورهای جهان

ردیف	نام کشور	سهم ۲۰٪ از طبقات پایین کشور	سهم درصد طبقات بالای جامعه
۱	ایران	۳/۸ درصد	۴۱/۷ درصد
۲	ترکیه	۳/۵ درصد	۴۱/۵ درصد
۳	مصر	۵/۸ درصد	۳۳/۲ درصد
۴	رژیم صهیونیستی	۶ درصد	۲۲/۶ درصد
۵	امریکا	۴/۲ درصد	۲۸/۲ درصد
۶	فرانسه	۵/۵ درصد	۲۶/۴ درصد
۷	انگلستان	۵/۸ درصد	۲۴/۸ درصد
۸	ژاپن	۹/۱ درصد	۲۲/۷ درصد

موضوع تضاد طبقاتی گسترش شکاف اقتصادی در ایران، طی سال‌های بعد از اجرای برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، رشد بیشتری در مقایسه با گذشته داشته است. به همین دلیل است که طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۲، شاهد بروز ناامنی‌های اجتماعی، افزایش تظاهرات و بی‌ثباتی‌های امنیتی در شهرهای مختلف می‌باشیم. به هر اندازه شاخص‌های خط فقر بر اساس معیارهای بین‌المللی تعیین شود، در آن شرایط، تضادهای طبقاتی نیز افزایش بیشتری خواهد یافت. در نمودار ۴ می‌توان متوسط هزینه‌های مربوط به خانواده‌هایی که زیر خط فقر نسبی همچنین خط فقر مطلق قرار دارند را مورد ملاحظه قرارداد. در این منحنی نشان داده شده است که در سال‌هایی که رشد اقتصادی به عنوان هدف اصلی دولت مورد پیگیری قرار گرفته است، هیچ‌گونه تأثیری در کاهش فقر نداشته، بلکه زمینه‌های لازم برای گسترش فقر و کاهش کارایی اقتصادی دولت را نیز به وجود آورده است.



نمودار ۴- متوسط هزینه خانوارهای زیر خط فقر نسبی و فقر مطلق

در این حالت نه تنها فاصله طبقاتی در ایران افزایش می‌یابد، بلکه می‌توان جلوه‌هایی از شکاف در فضای اقتصادی - فناورانه ایران با روند رشد جهانی را نیز مورد ملاحظه قرار داد. در سال ۱۹۹۶ یافته‌های بانک جهانی در مورد ایران نشان می‌دهد که تضعیف معنی‌داری از انگیزه‌های دانایی به واسطه اتکای بیش از حد بر ثروت طبیعی و سرمایه‌های فیزیکی موجب شده است که رقابت ایران با سایر کشورها در شرایط جهانی، پرمخاطره و شکننده شود. این امر انعکاس عوارض اقتصاد سیاسی رانتهی و بیماری هلندی در اقتصاد ایران است. مفهوم دولت رانتهی بر گرفته از زمینه‌ی زندگی فردی است. در چهارچوب فردی آن گاه که فردی از راه اجاره

ای سرمایه‌های خود درآمد خود را تأمین می‌کند رانت بر^۱ خوانده می‌شود. مفهوم دولت یا جامعه‌ی رانتی حاصل یک تشبیه میان اقتصاد و جامعه با فرد رانت بر است و اصطلاحاً به دولت یا جامعه ای اطلاق می‌شود که به درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی همچون نفت وابسته بوده و چنین درآمدهایی نقش قابل توجهی را در کل درآمدهای دولت ایفا می‌کند.

نتیجه گیری

یکی از ویژگی‌های عمومی فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران را می‌توان نقش آفرینی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. روح عمومی سیاست و اقتصاد ایران و همچنین جایگاهی که طی سال‌های گذشته برای خود ایجاد کرده است، بر اساس شاخص‌ها و نشانه‌های بین‌المللی قابل تبیین می‌باشد. در این روند، نظام سیاسی و اجتماعی ایران با تعهدات و مخاطرات متنوعی روبرو گردیده و به همین دلیل است که بر ضرورت‌هایی از جمله «تولید قدرت» برای مقابله با تهدیدات تأکید دارد. تولید قدرت نمی‌تواند ماهیت یک بعدی و استراتژیک داشته باشد. اگر چه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران به گونه ای است که می‌تواند نقش برتر منطقه‌ای را ایفا نماید، اما تحقق این امر در شرایط و فضای ناشی از تهدیدات متنوع منطقه ای و بین‌المللی کار دشواری است. رویکرد سخت افزاری به قدرت و امنیت می‌تواند موقعیت ایران را برای دوران محدودی بازسازی و ارتقاء دهد، اما کسب جایگاه برتر منطقه‌ای در چارچوب برنامه ایران ۱۴۰۴، نیازمند متنوع سازی ابزارهای قدرت می‌باشد. در این ارتباط ضرورت‌های بازسازی قدرت اقتصادی و اجتماعی کشور از طریق حداکثر سازی میزان اثر بخشی دولتی امکان‌پذیر می‌باشد. شاخص‌های موجود نشان می‌دهد که از زمان تنظیم و تصویب برنامه ایران ۱۴۰۴، نه تنها اقدام مؤثری برای بهینه‌سازی جایگاه اقتصادی ایران انجام نگرفته، بلکه شرایط عمومی برای کاهش موقعیت ایران نیز به وجود آمده است. این امر در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با تهدیدات نظامی یا امنیتی بین‌المللی روبرو شود، مخاطره‌آمیزتر خواهد شد. نیل به چنین جایگاهی نیازمند آن است که ایران بتواند موقعیت خود را در حوزه اقتصاد جهانی بازسازی و ارتقاء دهد. شاخص‌های این امر را می‌توان در چشم انداز برنامه ۲۰ ساله توسعه و همچنین در برنامه پنجم توسعه اقتصادی ایران ملاحظه نمود. هدف عمومی از تنظیم این برنامه‌ها را می‌توان ارتقاء قابلیت‌های

1- Rentier

اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران برای نیل به قدرت برتر منطقه‌ای و بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصاد جهانی دانست. طبعاً تحقق این امر صرفاً در شرایطی حاصل می‌شود که از یک سو، زمینه برای کاهش شکاف‌های اقتصادی کشور فراهم شده و از سوی دیگر، با افزایش نقدینگی و کاهش هزینه‌های دولتی و نیز کاهش تصدی‌گری دولت بر اقتصاد امکان تحقق برنامه‌های عمومی دولت برای نیل به قدرت منطقه‌ای را افزایش داد. تحقق چنین اهدافی از دو طریق امکان‌پذیر است. از یک سو لازم است میزان اثر بخشی حوزه دولتی در عرصه اقتصادی و کنترل هنجارهای اجتماعی افزایش یابد و از سوی دیگر می‌توان نشانه‌هایی را مورد ملاحظه قرار داد که رتبه ایران را در مقیاس با سایر کشورهای حوزه خاورمیانه افزایش دهد. تحقق این امر نیازمند تعادل در عرصه فرهنگی، سیاسی و اقتصاد داخلی ایران است. اگر روندهایی ایجاد شود که منجر به افزایش «شکاف اقتصادی» یا «شکاف سیاسی» بین گروه‌های مختلف شود، در آن شرایط زیر ساخت عمومی جامعه ایران می‌تواند تضاد و تعارض را باز تولید نماید. چنین شرایطی مانع از ارتقاء موقعیت و مطلوبیت‌های ایران می‌شود. به این ترتیب، اصلی‌ترین کار ویژه دولت و نظام سیاسی را می‌توان ترمیم و کاهش شکاف‌های درون ساختاری ایران دانست. هم‌اکنون شکاف‌های موجود ماهیت متقاطع دارند. به عبارت دیگر، در شرایطی که شکاف‌های کشور در شرایط و فضای یاد شده قرار داشته باشند، بحران‌های سریع و زود هنگام را ایجاد نمی‌کند. در حالی که اگر «شکاف‌های متقاطع» به «شکاف‌های متراکم» تبدیل شود، زمینه برای تصاعد بحران و جدال‌های ساختاری در ایران به وجود می‌آید. عبور از چنین وضعیتی نیازمند افزایش و ارتقاء سطح کارایی و اثربخشی دولت است. در کشوری همانند ایران که ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن تحت تأثیر فضای دولتی قرار دارد، طبیعی است که به هر میزان اثر بخشی دولتی افزایش یابد، امکان بهینه‌سازی موقعیت ساختاری کشور در بین سایر واحدهای منطقه‌ای نیز ارتقاء می‌یابد. یکی از راه‌های تحقق چنین هدف و فرایندی را می‌توان پیوند مؤثرتر با نشانه‌های اقتصاد جهانی دانست. تاریخ نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که واحدهایی در شرایط ظهور منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که نقش آفرینی خود را از طریق ارتقاء سطح توانمندی‌های درونی و حداکثر سازی پیوند تأثیر گذار با جامعه به وجود آورده‌اند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- حسینی، سیدمرتضی (۱۳۸۲). نابرابری درآمدی: اندازه، دلایل و اثرات آن در ایران. تهران: نشر موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۰). گزارش همایش چالش‌های توسعه ایران. تهران: موسسه عالی برنامه ریزی.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۶). «فضای خصوصی منحنی جی و توسعه‌یافتگی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۹، بهار.
- کومارسن، آمارتیا (۱۳۸۱). در باب نابرابری اقتصادی، ترجمه حسین راغفر. تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۲ الف). دولت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران: نشر قومس.
- _____ (۱۳۸۲ ب). آسیب شناسی توسعه اقتصادی ایران. تهران، نشر قومس.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علم.

ب) منابع انگلیسی

- Amuzegar, J. (1992). "The Iranian Economy Before and After the Revolution", **the Middle East Journal**, 46: 30-42.
- Bremer, I. (2006). **The J Curve: A New way to understand why Nations Rise and Fall**. New York: Simon and Schuster.
- Looney, R. (1981). **The Economics Development of Iran**. New York: Praeger.
- Yaghmaian (1998). **Recent Development in Political Economy of Iran**. London: McMillian.